

## اردوی "ملی"، یا اردوی "قومی"؟!

وحشت آفرینی و دهشت افگنی و انتحار و انفجار و قتل و کشتار در میهن برباد داده شده ما بیشتر از هر زمان دیگر بیداد میکند. در هر گوشه و بیشه و هر کوه و کمر ای، در هر چهار راه و خیابان ای و در هر دفتر و دیوان ای، از کشته ها، پشته ها ساخته اند و این نامردی و نامردمی بلاوقفه در جریان است و بصورت خاص کابل غرقه در خون را نشانه گرفته اند.

آخرین تاکتیک و روش و طرز اجرای جنایت و ایجاد جو وحشت و ترور و قتل و کشتار را تروریسم سفاک و بزدل به گونه ای ترتیب داده اند که بعد از عمل سخیف انتحاری، انتحاری دوم با فاصله زمانی چند دقیقه ای، از راه میرسد و در جمع مردم که جهت کمک به قربانیان از راه رسیده اند و در میان نیروهای امنیتی و خبرنگاران و ژونالیستان که جهت تهیه خیر و از روی وظیفه ایمانی و وجدانی شان خود را به محل واقعه رسانیده اند، خود را منفجر میکند تا بیشترین تلفات را وارد کنند.

این عمل سخیف و سخت پلید و غیر انسانی و غیر افغانی را از این سبب انجام میدهند که در آینده هیچ کس به قربانیان در میدان افتاده کمک و معاونت و یاری نکند.

حال ممانعت و خنثی سازی حملات دهشتبار انتحاری در قدم نخست وظیفه ریاست امنیت "ملی" است و در قدم دوم همکاری تنگاتنگ ریاست امنیت با پولیس "ملی".

از نگاه این کمترین اما نه ریاست امنیت کشور "ملی" است و ملی عمل میکند و نه هم پولیس کشور. هردو ارگان متذکره سخت تنظیمی و قومی عمل میکنند و از "ملی" بودن فرسخ ها فاصله دارند و این ادعا را طی بیشتر از یک دهه بارها و بارها در عمل به اثبات رسانیده اند.

پس بدین گونه قادر نیستند و نخواهند بود تا جلو حملات انتحاری را قبل از وقوع آن بگیرند، صرف نظر از اینکه هر دو منبع بارها ادعا کرده اند که انتحاری ها و مواد انفجاری در موتر های شیشه سیاه انتقال داده می شوند، اما نه ثبوتی ارائه کرده می توانند و نه هم کاری در زمینه صورت گرفته است.

از پولیس "ملی" اصلاً نمی شود سخنی به میان آورد، چه پولیس در همان روز شوم قتل فجیعانه شهید "فرخنده" در مرکز کابل و در چند قدمی قصر ریاست جمهوری و در فاصله کوتاه محل جنایت از قرارگاه ها و قومندانی های متعدد پولیس کابل؛ نه تنها حکم تماشاجی و سیل بین را داشت، بلکه در بعضی مواقع حساس با جنایتکاران ددمنش و گماشته شده، همکاری کرد. از همان روز و همان لحظات مرگ و زندگی شهید "فرخنده"، پولیس اگر اندک ماهیت "ملی" هم داشت، از دست داد.

در این مختصر اما به این می پردازم که آیا اردوی افغانستان، یک اردوی "ملی" است یا "قومی"، صرف نظر از اینکه باید اعتراف کرد اردوی افغانستان در جبهات گرم و داغ نبرد، جانبازانه می رزمند و سر می دهند و خوب هم می جنگند و مقاومت میکنند که قابل تقدیر و در خور هزاران ستایش است.

ولی و اما و مگر آنانیکه در مقام های رهبری اردو جا خوش کرده اند و جنرال و سترجنرال و قوماندان و وزیر و سر قوماندان اعلی نیروهای مسلح افغانستان اند، مسؤلیت مستقیم دارند تا اردوی کشور را که حافظ تمامیت ارضی کشور بوده و در خط مقدم دفاع از افغانستان و مردم درد رسیده آن قرار دارند؛ از مسیر قومی و قبیله‌ای و حزبی و تنظیمی و... بیرون کشیده و به صوب ملی سوق دهند تا اردوی کشور سیاسی نشود و ملی و مردمی باقی بماند.

سخن را مختصر کرده و دو عکس را پیشکش هموطنان میکنم که منبع آن هم در عکس وجود دارد و قضاوت را در مورد به هموطنان وامیگذارم که آیا می شود به چنین اردو، "ملی" گفت.

افسر اردوی افغانستان هزینه عروسی اش را به مستمندان کمک نقدی کرد



اما قراریکه گفته آمد اردوی "ملی" با وجود آنکه شجاعانه و با تهور در میدان های نبرد می رزمند و افتخار می آفرینند، مگر از نظر من هنوز از "ملی" شدن بسیار فاصله دارد و هنوز هم قومی عمل میکند.

البته عساکر و سربازان در این میان مقصر نبوده، بلکه آمرین، رؤسا، قومندانان و جنرالان و...، و در گُل وزیر دفاع و سرقومندان اعلی نیرو های مسلح کشور که رئیس جمهور باشند، مقصران اصلی هستند که باید جوابگوی "قومی" سازی اردوی "ملی" کشور باشند.

این برادر عزیز ما "تورن حسن رضا" که معلوم می شود از احساسات پاکی انسانی و اسلامی برخوردار هستند و یک افسر اردوی افغانستان می باشند، یقیناً یک افسر و سرباز رزمنده و شجاع اردوی افغانستان نیز هستند که به وجود همچو سربازان با احساس باید افتخار کرد، یقیناً هیچ تفصیری در ازدیاد پسوند قومی در مقابل اسم خویش ندارند.

با یقین کامل که برادر گرامی ما و هموطن عزیز ما "حسن رضا"، لباس نظامی خویش را با خود به منزل نبرده و به مادر گرامی و یا خواهر عزیز شان دستور نداده اند که در مقابل نام شان در ینفورم نظامی شان، پسوند قومی علاوه کنند، که اگر چنین می کردند؛ حتماً از جانب مقامات مسؤل و قومندانی مربوطه شان تأدیب و مجازات می شدند.

تفاوتی ندارد که نام کدام قوم در پسوند نام سرباز اردوی ملی افغانستان علاوه گردد، این عمل خود، اردوی کشور را از جهت ملی بیرون کشیده و به صوب یک اردوی قومی رهنمون می گردد که یک خیانت بزرگ است. امروز که در لباس نظامی این سرباز پسوند یک قوم و علاوه گردید، فردا یک سرباز دیگر پسوند قوم خود را علاوه خواهد کرد و پس فردا یک سرباز دیگر و....

پس به وضاحت دیده می شود که دستان کثیفی در داخل اردوی کشور فعال اند که تفرقه های قومی را در آن دامن میزنند و از ملی شدن اردو با هزار و یک ترفند جلوگیری میکنند و هیچ اعتراضی هم از هیچ مقام مسؤل در اردو بلند نمی شود و جلو آن گرفته نمی شود.

در نخستین قدم به گمان این کمترین، وزیر دفاع و سرقومندان اعلی نیروهای مسلح کشور مسؤل عام و تام اند تا جلو این عمل سخیف را در اردوی "ملی" کشور بگیرند.

در خاتمه برای این سرباز پراحساس اردوی ملی افغانستان، عروسی شانرا مبارکباد گفته و یک زندگی طولانی با صحت و سعادت و موفقیت در کنار همسر عزیز و خانواده گرامی شان آرزو کرده و امیدوارم بیشتر ملی بیندیشند و کمتر قومی.